

مهندسی فرهنگی در جامعه اطلاعاتی

افشین منتظر القادهم

جامعه اطلاعاتی، جامعه ای بدون مرز است که انسانها می توانند صرف نظر از نژاد، ملیت، زبان، مذهب و هر اختلاف دیگری با یکدیگر تعامل کنند. لذا این جامعه فرا ملیتی و بین المللی است. از آنجایی که انسان محور اصلی جامعه اطلاعاتی است، با وارد شدن در آن به تبدلات فرهنگی می پردازد که منجر به تغییرات فرهنگی در یک جامعه می شود که حاصل تغییرات فکری، ذهنی و رفتاری همه عناصر انسانی در یک جامعه و مبادلات فرهنگی، فکری، علمی و تکنولوژیکی با سایر جوامع است و حال اگر بهر دلیلی، وجود و تداوم باورهایی برای ادامه حیات هدفمند یک جامعه ضرورت داشته باشد، منطقی است که همه عناصر انسانی یک جامعه در هر موقعیتی در حفظ و تداوم آن باورها حساس شوند.

با شناخت چنین مواردی و با درک حساسیت تحولات فرهنگی برای حفظ انسجام درونی جامعه است که می توان اهمیت و ضرورت تحول همه جانبه در شیوه مدیریت فرهنگی جامعه را درک کرد و گام اول آن این است که به مدد فرهنگ، سازی برای مفهومی تحت عنوان «مهندسی فرهنگی» برای همه

مدیران و افراد ذی نفوذ جامعه در تمامی عرصه ها این باور ایجاد شود که ایجاد تغییرات آگاهانه و مستمر در فرهنگ جامعه، در گرو اصلاح کارکرد فرهنگی همه بخش های کشور است تا ضمن پیگیری تحقق اهداف سازمانی خویش، داده و ستاده خود را با فرهنگ بهبود بخشند.

توسعه تکنولوژیهای اطلاعاتی همچون: اینترنت، اینترنت، اکسترانتهای، ماهواره ها و رسانه های جمعی، مطبوعات آزاد و محلی و بطور کلی ایجاد پایگاه های منظم اطلاع رسانی در جامعه، همراه با فرهنگ سازی و آموزش صحیح می تواند یکی از اقدامات دولت ها در جهت رشد نظام ملی اطلاع رسانی در کشور باشد.

ورود ایران به جامعه اطلاعاتی نیز اگر چه با

وجود پتانسیل های زیادی همچون نیروی انسانی متخصص و جمعیت جوان و علاقه مند در کشور همراه است اما مواردی چون دسترسی آسان همگان به فن آوریهای نوین ارتباطی و همچنین محدودیت هایی که در آزادی رسانه ها و توسعه بسترهای ارتباطی وجود دارد بخشی از مشکلاتی

ضمن تعریف فرهنگ و ذکر کارکردهای آن در پاسخ به این سوال اساسی که چرا جامعه ما نیازمند «مهندسی فرهنگی» است لازم است به چند موضوع مکمل اشاره کنیم: ۱- ماهیت فرهنگ ۲- لزوم شناخت و درک روشن از چگونگی حفظ و تعمیق مجموعه فرهنگی ایران اسلامی ۳- اصلاح ذهنیت ارتباط میان سه وجه کلی جامعه: اقتصاد، سیاست و فرهنگ از طریق مهندسی فرهنگی ۴- لزوم طراحی فعالیتهای مناسب جهت مقابله با مجموعه عوامل تهاجم فرهنگی ۵- مدیریت آگاهانه بر شاخص های سازنده تمدن اسلامی از طریق شکل گیری سیستم های علمی سنجش و ارزیابی تغییرات در نظام فرهنگی و ارزشی موجود ۶- پیگیری شعارهای فرهنگی و سرمایه گذاری همه جانبه در این زمینه از سوی سیاستمداران.

در نتیجه با توجه به کارکردهای فرهنگ در جامعه اطلاعاتی و از طرفی نقش جامعه اطلاعاتی در توسعه کشورها می توان ارتباطی بین توسعه فرهنگ از طریق ابزار مهمی مانند گسترش جامعه اطلاعاتی برقرار کرد و شاید یک تناسب مستقیم میان آنها ایجاد نمود؛ به نحوی که هرچه در یک جامعه؛ نظام اطلاعاتی مشخص تر و فراگیرتر باشد و کاربران بیشتری بتوانند از اطلاعات استفاده کنند به همان نسبت نیز توسعه فرهنگی و کارکردهای شاخص های فرهنگی در بین افراد جامعه افزایش و تغییر می یابد. در نتیجه جامعه اطلاعاتی باعث افزایش سطح آگاهی مردم می شود و از طرف دیگر با یک آرایش و مهندسی دقیق فرهنگی می توان تاثیر جمعی را بر جامعه اطلاعاتی گذاشت. بالا رفتن فرهنگ عمومی باعث می شود که مردم به سمت جامعه اطلاعاتی سوق داده شوند.

است که برای حرکت به این سمت وجود دارد. از آنجایی که انقلاب صنعتی، فراصنعتی و خصوصا اطلاعاتی در برخی زمینه ها منجر به انقلاب های اجتماعی می شوند، لذا جامعه اطلاعاتی یا خانواده جهانی عمیقاً معتقد است که همپای تحولات علمی و فنی، روابط انسانی نیز باید تغییر کند وگرنه جامعه دچار نوعی بیماری به نام «درنگ فرهنگی» می شود چرا که هویت فرهنگی و دینی جوامع از سوی تهاجم فرهنگی تهدید می شود.

از جمله ویژگیهای مهم فرهنگ، مشترک بودن عناصر فرهنگی در هر جامعه، اکتسایبی بودن و قابلیت انتقال یا آموزش فرهنگ می باشد. انتقال ارزشهای فرهنگی از نسلی به نسل دیگر «باز تولید فرهنگی» نام دارد.

